



یادداشت روز

تنفیذ

تضمین جمهوری

جعفر علیان‌نژادی



در کنار جنبه‌های شرعی، فقهی و قانونی تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط ولی فقیه، یکی از ابعاد بسیار مهم و کمتر پرداخته شده این آیین، تعمیق جمهوریت نظام و تضمین سالاربودگی مردم است. بر این مبنا تنفیذ، گره زدن رای و خواست مردم به بنیانی محکم و مرصوص است؛ بنیانی که حافظ مردمی ماندن نظام بوده و آرا و خواسته‌های مردم را با آرامش و امنیت منتقل و تثبیت می‌کند. خلاصتین بنیانی در طول تاریخ معاصر ایران از مشروطه تا وقوع انقلاب اسلامی، کشور را ایستن ۲ بلیه استبداد و هرج‌ومرج کرد. بیان مقام معظم رهبری درباره ۱۵ سال پربحران بعد از امضای فرمان مشروطیت که به دیکتاتوری رضاخان انجامید، اشاره به این مساله دارد.

انقلاب مشروطه که به نحوی حاصل اراده مردم بود، به دلیل عدم چنین بنیانی، دستخوش هرج‌ومرج و ناامنی و سپس طلب نوعی نظم تحمیلی یا دیکتاتوری رضاخانی شد. آن تجربه نشان داد تلاطم و تثبیت دخالت مردم در سرنوشت خود، بدون وجود تضمینی پایدار، ممکن نیست. ناامنی و امنیت تحمیلی یا هرج‌ومرج و دیکتاتوری، ۲ روی سکه چنین وضعیت‌هایی است. در وضعیت دهشتناک هرج‌ومرج، این کام‌طلبی‌های فردی و منفعت‌جویی‌های گروهی است که فضا را مستعد اصطکاک، خشونت و میل به قدرت رسیدن می‌کند، بازنده این وضعیت، جان و مال به خطر افتاده مردم است. در وضعیت استبداد نیز، احساس نیاز شدید و اورژانسی مردم به امنیت، آنان را مجبور به پذیرش نوعی نظم تحمیلی می‌کند.

استبداد پاسخی عاجل به چنین ترس غریزی بود اما تلاطم وضعیت استبدادی، آن هم از نوع وابسته و متکی به قدرت‌های بیرونی، به بی‌اثر شدن نقش مردم در امور سیاسی و اجتماعی خود انجامید. قاعده چنین وضعیت‌هایی، ایجاد نارضایتی‌های متراکم، شورش و ناآرامی‌های بی‌هدفی است که یا سرکوب می‌شود یا مجدداً منجر به تسلسل آشوب و رسیدن به نقطه هرج‌ومرج می‌شود. گویی یک چرخه جبری از استبداد و هرج‌ومرج وجود دارد که جامعه را در برابر خود منفعل کرده و یکی پس از دیگری این وضعیت بفرنج را تلاطم می‌بخشد. در برابر این سیکل بسسته و چرخه محتوم اما این حضرت امام خمینی (ره) بود که منفذ و راه برون‌رفت را به مردم نشان داد؛ انقلاب آن هم از نوع اسلامی خود، نقطه مقابل استبداد و هرج‌ومرج بود. مهم آن بود که امام، انقلاب را قیام‌الله تعریف کرد که لازمه آن نوعی تحول باطنی یا انقلاب درونی در مردم و سپس انقلاب بیرونی در برابر استبداد بود. چنین پدیده‌های تحمیلی‌ای، از انفعال و استضعاف مردم تغذیه می‌کردند. امام به‌دورستی راه مبارزه را در ایجاد صفوف فشرده و مبارزه فعالانه با چنین واقعیت‌های تحمیلی‌ای تعریف کرد. حسن احترام به خود و عزت نفس، انقلاب اول امام و مبارزه با استبداد و طاغوت توسط همین مردم متحول شده، انقلاب دوم امام بود. ثمره طبیعی انقلاب اسلامی، با هدایت امام (ره) و همت مردم، برقراری نوعی نظم ارادی و فعالانه بود که در قالب مردم‌سالاری دینی یا جمهوری اسلامی متبلور شد. امام در دوران طاغوت با چنین آگاهی‌بخشی، از زمینه ظهور اراده مردم در مبارزه با استبداد آفرام و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تعیین مدل نظم جدید (جمهوری اسلامی)، زمینه تلاطم، شکوفایی این اراده عمومی و دخالت حداکثری مردم در سرنوشت خود را فراهم کرد. بر این مبنا، انتخابات در چنین نظم جدید، فعالانه و ارادی‌ای، معنای مضاعفی می‌یافت. مردمی که با دخالت مستقیم و اراده نافذ خود چنین نظامی را سپا کرده‌اند، مقاطع انتخاباتی را فرصت‌هایی حداکثری برای دخالت نظر و تثبیت نقش خود می‌یافتند و در میان فرصت‌های انتخاباتی هم، در انتخابات ریاست جمهوری احساس تاثیرگذاری بیشتری می‌کردند. حضور مردم در هر انتخاباتی فراغ از نتیجه، تثبیت چنین اراده و نظم فعالانه و دوری‌گزینی از آن چرخه محتوم تاریخی بود. پس از روشن شدن نتیجه انتخابات و مشخص شدن فرد پیروز، هم تلاطم چنین نظامی یعنی مردمی مانند نظام سیاسی و هم مسئولیت‌پذیری بیشتر فدر منتخب در قبال مردم، نیاز به یک تضمین جدی داشت. معنای تنفیذ در این لحظه خود را نمایان می‌کند؛ اینکه مسردم با تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط رهبری، رای خود را به چنین تضمینی یا بنیانی گره می‌زنند. حالا فرد منتخب، فقط نامزد پیروز بخشی از مردم نیست، بلکه رئیس جمهور همه مردم ایران است؛ چه آنان که رای ندادند، چه آنان که نامزدشان در انتخابات پیروز نشد و چه آنان که نامزدشان پیروز شد؛ با تنفیذ رهبری، وی رئیس جمهور مشروع و قانونی کشور شد. ولی فقیه ضامن بقا و دوام مردم‌سالاری و حافظ رای مردم در انتقال آرام قدرت از دولت قبل به دولت جدید است.

رهبر انقلاب در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری مسعود پزشکیان ۷ توصیه مهم خطاب به رئیس‌جمهور، دولت و مسؤلان بخش‌های مختلف بیان کردند

اولویت اقتصاد



عکس: khameini.ir

صفحه ۲

دولت، خود به زمینه ظهور چالش‌های جدیدی که بعضاً عمیق‌تر از مساله اصلی هستند منجر می‌شود. در چنین وضعی مجموعه دولت به شناگری تبدیل می‌شود که در آب‌های خروشان گرفتار آمده است. او اگرچه ممکن است استعداد و توانایی بالایی در شنا کردن و دانش زیادی درباره تکنیک‌های مربوط به آن داشته باشد، هر بار بیشتر برای نجات از دام جریان خروشان که دچار آن شده تلاش می‌کند، کمتر موفق می‌شود. این ناکارآمدی تلاش‌ها، نهایتاً به خستگی جسمانی و ناامیدی از نجات منتهی خواهد شد. در حالی که ممکن است شناگری ماهر برای جبران کردن نیروی از دست رفته جسمانی خود راه‌حلی بیابد، هیچ شناگری نمی‌تواند بر ناامیدی ناشی از بی‌نتیجه ماندن تلاش‌هایی که در چنین وضعی داشته به سادگی فائق آید.

■ سعی بی‌حاصل؛ کدام وعده‌ها اولویت دارند

در این بخش تلاش می‌کنم همه آن چیزی را که تا اینجا آوردم، درباره وضعیتی که دولت دکتر مسعود پزشکیان در آن قرار دارد به کار برم. سعی خواهم کرد نشان بدهم چه جور اقدامی می‌تواند دولت چهاردهم را از افتادن به تله ناکارآمدی نجات دهد. اهمیت این موضوع بیشتر در اینجا قرار دارد که از مجموعه صحبت‌های رئیس دولت چهاردهم و اعضای برجسته کمیشن انتخاباتی او اینطور برمی‌آید که دولت پزشکیان بنا دارد برای رفع مشکلات ناشی از ناترازی‌های اساسی موجود در اقتصاد ایران و حل کردن چالش‌های اساسی موجود در سیاست خارجی، انطور که ایشان روایت کرده و مجموعه‌ای از مشکلاتی که سیاست داخلی ما با آن دست به گریبان است، تصمیمات سختی را اتخاذ کند. تصمیماتی که

تله ناکارآمدی؛ از ده‌های هفت‌سر و تک پیکر تله ناکارآمدی، عنوانی است که من برای وضعیتی به‌کار می‌برم که در آن هر اقدامی که دولت برای پاسخ دادن به یک موضوع یا چالش خاص انجام می‌دهد، به ناکامی بیشتر و منتهی می‌شود. در چنین وضعیتی، برخلاف آنچه ممکن است به نظر بیاید، هراندازه برنامه پیش‌بینی شده در دولت دقیق‌تر، روشن‌تر و علمی‌تر تنظیم شده باشد، مشکلات ناشی از اقدام آن را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. تا جایی که ناکارآمدی هرچه بیشتر برنامه‌های علمی، شفاف و مبتنی بر ساعت‌های زیادی از کار کارشناسانه بدنه دولت و نظام عاقله تصمیم‌گیر آن را دچار سردرگمی می‌کند و به آستانه فروپاشی سوق می‌دهد. تاریخ دولت در ایران معاصر به نمونه‌های زیادی از این تله ناکارآمدی گواهی می‌دهد.

تله ناکارآمدی معمولاً وقتی ایجاد می‌شود که دولت با مجموعه متنوعی از مسائل و چالش‌های اضطراری سروکار داشته باشد. در این وضعیت احتمالاً تلاش بدنه کارشناسی دولت بیش و پیش از هر چیز بر اولویت‌بندی چالش‌ها و در عین حال طبقه‌بندی آنها متمرکز خواهد شد. می‌توانیم انتظار داشته باشیم آنها این کار را بر اساس درجه اضطرار چالش‌های مختلف، همچنین بر پایه فقهی که از بنیادین بودن هر کدام از مسائل دارند انجام دهند. در مسائلی که دولت چهاردهم با آنها سروکار دارد کار بسیار مشکلی خواهد بود؛ کار بسیار مشکلی که ممکن است دولت چهاردهم را در میانه گردابی از موضوعات حل‌نشده در حوزه‌های مختلف گرفتار کرده و براجتی آن را به تله ناکارآمدی دچار کند.

تیتراهای امروز

اتهام‌زنی صهیونیست‌ها به حزب‌الله در حالی است که شاهدان عینی و حتی مقامات آمریکایی سامانه ضد موشکی اسرائیل را عامل حمله به جولان می‌دانند

سناریوی مجدول شمس

حزب‌الله: به هر حماقتی پاسخ ویرانگر می‌دهیم



فلسطینی‌ها چگونه سیاست قحطی اسرائیل را با چالش مواجه کردند

غزه زنده است

دمای هوا از امروز در سراسر کشور ۱ تا ۵ درجه کاهش می‌یابد

عبور از آتش

«وطن امروز» اولویت‌های اقتصادی دولت چهاردهم را بر اساس بیانات رهبر انقلاب بررسی کرد

پزشکیان ونسخه اقتصادی

رشد سرما به‌گذاری و تولید، افزایش صادرات، کنترل تورم و بهبود فضای کسب و کار منجر به ارتقای ارزش پول ملی و بهبود معیشت مردم می‌شود

نگاه

حاشیه‌نگاری «وطن امروز» از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری منتخب ملت

رسم جمهوریت

از خیابان جمهوری به خیابان فلسطین و در انتها به حسینیه امام خمینی (ره) این مسیر آشنایی برای آغاز مسیر ۴ ساله دولت‌ها به حساب می‌آید. دیروز اما چند روز مانده تا سومین سالگرد آغاز به کار دولت سیزدهم، یک بار دیگر این مسیر را طی کردیم. زیر بار عناوینی که چندان با هم جفت و جور در نمی‌آیند؛ دولت ناتمام و شهید جمهور، ابدیت نهفته در پس عنوان شهید اجازه نمی‌دهد براجتی دولت سیزدهم را دولتی ناتمام فرض کنیم. گویی میراث خدمت این دولت تا ابد الگویی را برای تمام مسافران بعدی قطار دولت خواهد ساخت. هر دولتی به هر میزان که بر خدمت و رشادت یا فشاری کند، سهمی در امتداد دولتی خواهد داشت که رئیسش با پیشوند شهید خوانده می‌شد. عقربه‌های ساعت روی ۹ و ۶ جا خوش کرده بود و حکایت از یک فاصله نیم‌ساعته تا آغاز مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری رئیس دولت چهاردهم داشت. صندلی‌های چیده شده روی جایگاه جملگی خالی بودند اما یک صندلی؛ همان صندلی‌ای که تصویری از شهید سیدابراهیم رئیسی روی آن گذاشته شده بود. این بار به جای کلمات، صحنه چیده‌شده چندان جفت و جور به نظر نمی‌آمد. از سوی صندلی‌های خالی و از سوی دیگر نشانی از یک غایب حاضر در جمع. جایی در میان بودن و نبودن. تصویر شهید در این قاب و صحنه چیده‌شده میدان تقابل میان نشان بود و فقدان عقربه‌ها روی ۱۰ و ۱۲ که تنظیم می‌شود تمام حسینیه به پا می‌خیزد. صندلی‌های کناری ذقایی است پر شده و تنها مانده صندلی مرکزی که جایگاه رهبر است. حالا باز با چشمانی بازتر به قاب چیده شده در مقابل خیره می‌شوم. حالا در ۲ سوی رهبر ۷ نفر به علاوه یک قاب عکس را می‌شود دید. کمی از آشننگی ذهنم فروکش می‌کنند این تصویر واقعی‌تری است. تصویری میان گذشته و حال و آینده. شهیدی در میان جمعی حاضر است تا در تقدیر آینده شریک باشد.

رهبری که امروز در مرکز ایستاده آخرین رئیس جمهوری بوده که جلسه تنفیذ را بدون حضور رئیس سابق جمهور تجربه کرد. تابستان گرم ۶۰ در میانه روزهایی که جنگ و ترور آرزوی امنیت و ثبات را دور و دیر نشان می‌داد و حکومت ریاست‌جمهوری‌اش را از دستان امام (ره) دریافت کرد. او رئیس جمهور شد و کم‌کم آرزوهای دور و دوری را برآورد. با واقعیت موجود تبدیل کرد. حالا ۴۲ سال گذشته است و جلسه تنفیذ دیگری بدون رئیس جمهور مستقر در حال برگزاری است. کلام و سیمای رهبر، نشان از امید دارد؛ امیدی که خود ریشه در یک تجربه دارد.

ادامه در صفحه ۲